

علی‌الرأس و بر اساس درصدی از قرارداد مشخص می‌شود. از این مبلغ، با عنوان حق بیمه قرارداد یاد می‌شود که معمولاً مبلغ بیشتری نسبت به حالت عادی دارد. از این رو موجب افزایش قیمت نهایی محصول می‌شود و با توجه به فقدان ترتیبات مشخص تعیین درصد، امکان رفتارهای سلیقه‌ای دور از انتظار نیست. ماده ۲۸ لایحه سازمان تأمین اجتماعی را مکلف به محاسبه حق بیمه قراردادهای مشارکت به شکل فوق نموده است. البته در لایحه ارسالی دولت (پیش از اعمال اصلاحات کمیسیون عمران)، ماده ۲۳ به روشنی قراردادهای مشارکت را از

۹۹ اگر مشارکت عمومی خصوصی به عنوان یک نوع قرارداد پنداشته شود به نظر می‌توان بستر قانونی این نوع از قرارداد را با اصلاح قوانین و مقررات موجود فراهم کرد. استثنایی بودن راه‌کار تدوین لایحه و لزوم به کارگیری آن در مواقع ضروری، مؤید این دیدگاه است. اما اگر مشارکت عمومی خصوصی الگوی جدیدی از اداره امور عمومی تلقی شود، با توجه به گستردگی این موضوع لزوم تدوین لایحه‌ای جامع که احکام فروض مختلف آن را پیش‌بینی کند بدیهی است. در این راه اما لازم است ملاحظات تنقیحی رعایت شود. ۶۶

شامل ماده ۴۱ قانون تأمین اجتماعی (حق بیمه قرارداد) خارج کرده بود و این موضوع در اصلاحات کمیسیون مربوطه به صورت ماده ۲۸ به لایحه اضافه شده است.

۹- ایراد دیگر به ماده ۲۹ لایحه مربوط می‌شود که معافیت‌هایی را برای طرح‌های مشارکت پیش‌بینی می‌کند. توضیح آن که این معافیت‌ها با بند الف ماده ۶ قانون برنامه ششم توسعه مغایر است. بند الف این ماده مقرر می‌دارد: «... الف - برقراری هرگونه تخفیف، ترجیح یا معافیت مالیاتی جدید طی سال‌های اجرای قانون برنامه ممنوع است...».

دغدغه قانونگذار در لزوم پرهیز از برقراری معافیت‌های مالیاتی به‌جاست اما در مواردی برقراری این معافیت‌ها می‌تواند به رشد و پیشرفت کشور منتهی شود. البته قانونگذار در مقاطعی به این نکته پایبند بوده و معافیت‌هایی را به سود فعالیت‌های مولد برقرار کرده است. از جمله ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم که پیش از تصویب قانون برنامه ششم (۱۳۸۱) به تصویب رسیده است. به نظر می‌رسد با ملاحظه لزوم به حداقل رساندن معافیت‌های مالیاتی از سویی و استفاده از اهرم معافیت‌ها در رشد و توسعه کشور باید سازوکاری در جهت سامان‌دهی معافیت‌های مالیاتی مقرر شود.

صرف نظر از ایرادات مرکز پژوهش‌های مجلس، ایرادات دیگری در لایحه به چشم می‌خورد از جمله با توجه به اینکه شورای راهبری پیش‌بینی شده در لایحه برای پیشبرد امور تنظیم‌گرانه حوزه مشارکت در نظر گرفته شده، باید نکاتی در ساختار آن رعایت شود. یکی از ایرادات این شورا سطح مدیریتی افراد تشکیل‌دهنده آن است که برگزاری جلسات را دشوار می‌کند. همچنین با توجه به تخصصی بودن امور مشارکت، حضور ترکیب تخصصی در این شورا انتظار می‌رفت. علاوه بر آن با توجه به این که موضوع مشارکت در این لایحه اموال عمومی است، این ترکیب که نیمی از آن را بخش‌های خصوصی چون اتاق بازرگانی، اتاق تعاون و غیره تشکیل می‌دهد، ناصحیح و خطرناک به نظر می‌رسد.

تدوین لایحه جامع یا اعمال اصلاحات جزئی در قوانین و مقررات موجود؟

یکی از اختلافاتی که در قبال مشارکت عمومی خصوصی و ایجاد بستر قانون برای آن وجود دارد، لزوم تدوین لایحه‌ای جامع در این زمینه و در مقابل اعمال اصلاحات جزئی در قوانین و مقررات موجود است. گروه اول معتقدند گستردگی دامنه تغییراتی که با ورود مشارکت در نظام حقوقی ایجاد می‌شود، تدوین لایحه را ضروری می‌نماید.

در مقابل برخی معتقدند ایجاد بستر قانونی برای مشارکت نه تنها ضرورت ندارد بلکه نابسامانی‌هایی را در نظام حقوقی و قانونی ایجاد می‌کند زیرا در هر یک از قوانین ترتیبات مختلفی پیش‌بینی شده و تدوین لایحه می‌تواند به هم‌پوشانی و تورم قوانین منجر شود. این گروه

معتقدند می‌توان با اعمال اصلاحاتی در قوانین و مقررات، بستر قانونی مشارکت را در نظام حقوقی ایران فراهم کرد.

استدلال هر یک از این دو دیدگاه قابل توجه است: از طرفی توجه به گستردگی موضوع مشارکت و دامنه تغییراتی که برای تعبیه آن در نظام حقوقی لازم است و از طرف دیگر لزوم پرهیز از نابسامانی‌های بی‌وجود آمده در پی تدوین لایحه جامع. پاسخ به این مسأله که در این موضوع تدوین لایحه لازم است یا اصلاح قوانین و مقررات موجود نیازمند بررسی نوع نگاه‌ها به مشارکت عمومی خصوصی است.

مشارکت عمومی خصوصی؛ قرارداد یا الگوی اداره امور عمومی؟^{۱۴}

نوع نگرش به هر موضوعی می‌تواند در ارایه پیشنهادات مؤثر باشد. مشارکت عمومی خصوصی نیز از این قاعده مستثنی نیست. برای ارایه پیشنهاد باید مشارکت را در دو سطح دیده شود: مشارکت به عنوان یک نوع قرارداد و مشارکت به عنوان یک الگوی اداره امور عمومی.

اگر مشارکت عمومی خصوصی به عنوان یک نوع قرارداد پنداشته شود به نظر می‌توان بستر قانونی این نوع از قرارداد را با اصلاح قوانین و مقررات موجود فراهم کرد. استثنایی بودن راه‌کار تدوین لایحه و لزوم به کارگیری آن در مواقع ضروری، مؤید این دیدگاه است.

اما اگر مشارکت عمومی خصوصی الگوی جدیدی از اداره امور عمومی تلقی شود، با توجه به گستردگی این موضوع لزوم تدوین لایحه‌ای جامع که احکام فروض مختلف آن را پیش‌بینی کند بدیهی است. در این راه اما لازم است ملاحظات تنقیحی رعایت شود. یکی از این ملاحظات مشخص نمودن نسبت لایحه با قوانین و مقررات موجود از لحاظ اصلاح یا نسخ آن‌هاست. یکی از مواردی که تشخیص قانون لازم‌الاجرا را برای مجریان، قضات و عموم مردم دشوار می‌کند نسخ‌های ضمنی است که باید در جریان تدوین این دست‌لوايح - که نظم حقوقی کنونی را دست‌خوش تغییر قرار می‌دهد - تا حد امکان از آن‌ها خودداری کرد.

لزوم رعایت اصول ارایه خدمات عمومی
در فرض پذیرش هر دو نگرش فوق، اما با